

اولویت‌بندی مولفه‌های ژئوپلیتیک اقوام ایرانی موثر بر امنیت ملی در پرتو گفتمان جهانی شدن. مطالعه موردی: اقوام ترکمن استان گلستان

محمدباقر مولائی فر^۱، حسن آبنیکی^۲، گارینه کشیشیان سیرکی^۳، سیدخدایار مرتضوی^۴

^۱ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۲ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۴ استادیار گروه علوم سیاسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۳/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۵

چکیده

امروزه تاثیر جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی بر امنیت ملی بر کسی پوشیده نیست. به همین خاطر این تحقیق به جهت اهمیتی که اقوام ترکمن در امنیت ملی کشور در پرتو جهانی شدن دارند، تدوین شده و در پایان راهکارهایی برای افزایش امنیت ملی ارائه شده است. این پژوهش از نظر هدف، پژوهشی کاربردی و بر حسب نحوه گردآوری اطلاعات (روش) از آنجائی که میزان اتفاق آرای گروهی را درباره وزن دهی و اولویت‌بندی مولفه‌های ژئوپلیتیک اقوام ایرانی موثر بر امنیت ملی با استفاده از روش تحلیل سلسله مراتبی ANP بررسی می‌نماید، یک تحقیق توصیفی-تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات تحقیق روش کتابخانه‌ای و میدانی است. ابزار گردآوری اطلاعات در روش میدانی این تحقیق پرسشنامه ANP خود ساخته محقق و مصاحبه با خبرگان امر می‌باشد. جامعه آماری انتخاب شده برای پاسخگویی به این پرسشنامه شامل نخبگان و صاحب‌نظران دانشگاهی در حوزه جغرافیای انسانی و علوم سیاسی بوده اند. در این راستا از فرمول تعیین حجم نمونه جامعه محدود با سطح اطمینان ۹۹٪ برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. که باید ۲۰ پرسشنامه جمع‌آوری و ارزیابی می‌گردید. برای تایید روائی پرسشنامه از تایید استاد راهنما و دیگر اساتید مجرب در این زمینه استفاده شده است. از سوی دیگر، پایایی پرسشنامه، از طریق آزمون سازگاری و ثبات، مورد بررسی قرار گرفت. متغیر وابسته تحقیق امنیت ملی و متغیرهای مستقل آن عوامل سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و جغرافیائی است. نتایج نشان می‌دهد عامل سیاسی (A) با وزن نسبی ۰/۳۰۶ در رتبه اول و پس از آن عامل اقتصادی (D) با وزن نسبی ۰/۲۷۹ در رتبه دوم و جمعیتی (C) با وزن نسبی ۰/۲۱۱ در رتبه سوم و عامل جغرافیایی (B) با وزن نسبی ۰/۲۰۴ در رتبه چهارم اهمیت قرار دارد.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک اقوام ایرانی، امنیت ملی، گفتمان جهانی شدن، عوامل سیاسی-اقتصادی، جمعیتی و جغرافیایی

مقدمه

مهمی می‌باشد. «قوم عبارت از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجداد مشترک، خاطرات مشترک، عناصر فرهنگی پیوند با یک سرزمین تاریخی با وطن و میزانی از حس منافع و مسئولیت است» (Ayyubi, 1998:17). این تعریف عناصر محوری هویت نظیر اعتقاد آگاهی و فرهنگ مشترک را واجد است. بررسی پیشینه تاریخی اقوام در ایران نشان می‌دهد که قاعده کلی حاکم بر مناسبات اقوام ایرانی

موضوع قومیت در رویکرد امنیتی یکی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به توسعه و برقراری امنیت تحلیل می‌شود. در جامعه شناسی اصطلاح قومیت عمدتاً استفاده کاربردی دارد و برداشت‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. در این میان تعریف آنتونی اسمیت دارای کاربرد

بر مدار همدلی و زیستی مسالمت آمیز استوار بوده است اگرچه در مقاطعی محدود، سطوح مختلفی از تنش و بحران را نیز تجربه کرده است. با وجود بسترهای قانونی در مورد شناسایی حقوق اقلیت‌ها و اقوام، در مقاطعی از تاریخ ایران نمودهایی از بیماری ناسیونالیسم قومی خود را نشان داده است. در این میان جغرافیایی سیاسی اقوام معادله امنیت ملی را پیچیده تر کرده است در تعریف واژه امنیت ملی رابرت ماندل معتقد است «امنیت ملی شامل تعقیب روانی و مادی ایمنی است و اصولاً جزء مسئولیت‌های ملی است تا از تهدیدات مستقیم ناشی از خارج نسبت به بقای رژیم‌ها نظام شهروندی و شیوه زندگی شهروندان خود ممانعت به عمل آورند (Assari-Nejad, 2004:32) امنیت ملی یعنی دستیابی به شرایطی که به یک کشور امکان می‌دهد از تهدیدهای بالقوه یا بالفعل خارجی و نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانه در امان باشد و در راه پیشبرد امر توسعه اقتصادی، اجتماعی، انسانی و تأمین وحدت و موجودیت کشور و رفاه عامه فارغ از مداخله بیگانگان گام بردارد. حفاظت یک ملت در مقابل انواع تجاوزات خارجی، جاسوسی، عملیات شناسایی، خرابکاری و... تعریف دیگری است که امنیت ملی شده است (Gharib, 2001:71). در شرایط جدید، اقوام و اقلیت‌های قومی، زبانی و مذهبی بعنوان یکی از نشان‌های همبستگی ملی تعریف می‌شود. از سویی در عصر موسوم به جهانی شدن که جهان به تعبیر مک لوهان به سبک دهکده جهانی نمایش داده می‌شود کشورهایی با مختصات نظام سیاسی ایران، بدلیل تنوع قومی با چالش متنوعی روبرو می‌باشند. پدیده‌ی قوم گرایی برای برخی از کشورها، چالش‌های متعددی در برداشته و دولتها در این کشورها در پاره‌ای از مواقع با بحران‌هایی گوناگون مواجه‌اند که وحدت و انسجام داخلی آنها را مورد تهدید قرار می‌دهد. واقعیت این است که تصور جهانی، فارغ از مساله قومیت غیرممکن است؛ چرا که گوناگونی، ویژگی اصلی جوامع انسانی است و همین گوناگونی منجر به تنوع و تکثر هویتی می‌شود. امروزه، قوم‌گرایی افراطی، منبع اولیه‌ی درگیری‌های

مسلحانه‌ی خشونت بار در بخش‌هایی از جهان شده و فرسایش قدرت دولت-ملت‌ها را به دنبال داشته است. به بیان دیگر، ناسیونالیسم قومی در برخی از کشورها، یکپارچگی ملی و شیرازه جامعه را نشانه گرفته است. نتایج یک پژوهش علمی نشان می‌دهد که تنها در ۱۴ کشور جهان، اقلیت قابل توجهی وجود ندارد، و در این میان، تنها چهار درصد جمعیت جهان در کشورهایی زندگی می‌کنند که تنها دارای یک گروه قومی هستند (Braon1993:43) تقریباً نیمی از منازعات قومی که از سال ۱۹۸۹ یعنی همزمان با پایان جنگ سرد و آغاز نظم نوین جهانی روی داده‌اند، موجبات بروز بی نظمی و ناپایداری جدید در سطح جهانی را فراهم آورده‌اند. (Golmohammadi, 2002:163) ضمن آن که ماهیت این منازعات، غالباً فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و مذهبی بوده است. رقابت‌ها و منازعات قومی به هیچ وجه منحصر به کشورهای در حال توسعه نیستند. روند فزاینده‌ی منازعات قومی به حدی است که منازعات سیاسی و چارچوب‌های ژئوپلیتیکی را در سراسر جهان به چالش کشیده است (Hosini, 2017). تحقیقی با عنوان تبیین مولفه‌های ژئوپلیتیک مؤثر بر مداخله بشردوستانه، براساس دیدگاه‌ها و نظریه‌های ژئوپلیتیک و مداخله بشردوستانه انجام داد. بررسی‌های صورت گرفته نشان دهنده آن است که به صورت کلی ۴۷ عامل در مداخله بشردوستانه برگرفته از نظریات و دیدگاه‌های مختلف، مؤثر می‌باشند. این مولفه‌های ژئوپلیتیک را می‌توان در قالب ابعاد جغرافیایی، اقتصادی، سیاسی و جمعیتی تقسیم بندی کرد. براساس یافته‌های میدانی از میان این ۴۷ عامل ۲۸ عامل جزء مؤلفه‌های (عوامل) ژئوپلیتیک مؤثر بر مداخله بشردوستانه محسوب می‌گردد و بقیه عوامل مؤثر بر مداخله بشردوستانه غیرژئوپلیتیک محسوب می‌گردند و (Smailpoor roshan and Moradi Poor, 2016) در مقاله‌ای با عنوان نقش ژئوپلیتیک لرستان در رابطه با امنیت ایران به این نتیجه دست یافتند که: از تمامی جنبه‌های علم ژئوپلیتیک یعنی موقعیت جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و قومیتی، مذهبی و نیز

گفت عوامل ژئوپلیتیک از چنان اهمیتی در سیاست داخلی و خارجی کشور برخوردارند و منافع ملی را بگونه‌ای رقم می‌زنند که سیاستمداران بدون توجه به آنها قادر به اتخاذ عمل و عکس العمل‌های مناسب و مؤثر نیستند (Mansoori, 2007:17) نظریات گوناگونی در زمینه این عوامل وجود دارد که پایه و اساس تحقیق بر اساس آنها تدوین شده است از جمله می‌توان به نظریه فضای حیاتی فردریک راتزل اشاره کرد. راتزل از جمله جغرافی دانانی بود که به داروینیسیم اجتماعی اعتقاد داشت و به دو عامل وسعت و موقعیت اشاره داشت. وسعت خاک یک کشور نشان دهنده قدرت سیاسی و نفوذ فرهنگی حکومت آن است، هر قدر وسعت خاک بیشتر باشد قدرت سیاسی و تمدنی آن کشور گسترده تر خواهد شد. علاوه بر وسعت به عامل موقعیت نیز به عنوان عاملی که در سیاست حکومت‌ها تأثیرگذار است توجه داشت؛ یعنی قرار گیری یک کشور در مجاورت کشوری ضعیف یا قوی اهمیت راهبردی دارد (Mirhidari, 2012:6) نظریه‌ها رتلند^۱ یا قدرت بری سرهلفورد مکیندر^۲ یکی دیگر از این نظریات است. مکیندر اولین جغرافی‌دانی بود که نظریه خود را بر اساس ویژگی‌های جغرافیایی کشورها، به ویژه موقعیت جغرافیایی آنها از نظر دوری و نزدیکی به دریا مورد توجه قرار داد. او در مورد موازنه قدرت در سرآغاز قرن بیستم عقیده داشت که قدرت‌های اصلی آنها را خواهند بود که بر خشکی‌ها نظارت خواهند داشت (Rahimi, 2013:50). این نظریه با محوریت قدرت (مبانی و سرچشمه قدرت) که عامل قدرت را در خشکی می‌داند بیان شده است. همچنین نظریه ریملند نیکولاس جان اسپایکمن^۳ که در کارش بر روابط قدرت بین دولت‌ها و تأثیر جغرافیا بر سیاست تأکید کرده است و بر خلاف مکیندر، اصالت را به حاشیه داخلی مکیندر داد و آن را واجد قدرت واقعی دانست و عنوان جدید به نام «ریملند»^۴ یا «سرزمین حاشیه» به آن داده است. این منطقه امکان ترکیب

جمعیتی استان لرستان نقش کانونی و مهم در امنیت ایران است (Jesarati, 2013) در مقاله خود با عنوان ژئوپلیتیک و جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی و نقش آن در امنیت ملی به این نتیجه دست یافتند که: با بسترسازی مشارکت نظام مند در متن نظام سیاسی کشور و نهادسازی سازمانی اقوام، ضریب امنیت ملی، از یک سو افزایش و تهدیدات ناشی از آن از سوی دیگر، کاهش خواهد یافت (Azizi and Azar, 2011) در مقاله خود با عنوان بررسی عوامل واگرایی قوم بلوچ و تأثیر آن بر امنیت کشور به این نتیجه دست یافتند که: قوم بلوچ، قوم غالب منطقه شرق کشور می‌باشد که دنباله قومی آن به خارج از کشور کشیده شده و به جهت مؤلفه‌هایی نظیر قومیت، مذهب و دوری از مرکز کم تر در تحولات بزرگی که حداقل در سده اخیر کشور را متأثر ساخته نقش عمده‌ای ایفا کرده، این عدم مشارکت میزان هم‌گرایی این قوم را با ملت ایران متأثر ساخته است.

مفاهیم نظری

ژئوپلیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده‌های محیطی چون، موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، هوایی و فضایی)، وسایل ارتباط جمعی و ... را در تصمیم‌گیری‌های سیاسی، بویژه در سطوح گسترده منطقه‌ای و جهانی مطالعه می‌کند (Mojtahed Zadeh, 2002:128) در تدوین، تنظیم و هدایت سیاست کشورها عوامل و متغیرهای گوناگونی دخالت دارند که بدون شک، آگاهی از کم و کیف و آثار متقابل آنها برای درک آنچه که در بطن ماشین و سیستم سیاست‌گذاری یک کشور می‌گذرد مفید است که یکی از این عوامل عوامل ژئوپلیتیک است (Kazemi, 199:43) عوامل ژئوپلیتیک، به مجموعه عوامل و مولفه‌های جغرافیایی گفته می‌شود که بنحوی بر سیاست تأثیرگذار می‌باشند. این عوامل از فضایی به فضای دیگر و در طول زمان با توجه به تحولات صورت گرفته کم یا زیاد می‌شوند (Ezati, 2003:78). براین اساس، می‌توان

1. Heartland

2. Sir Halford Mackinder

3. Nicholas John Spykman

4. Rimland

می‌توان از دو بعد جامعه‌شناختی و فضایی - جغرافیایی مطالعه و بررسی کرد (Hafeznya, 2002:146-180). از منظر جامعه‌شناختی کلیت ترکیبی ملت ایران را می‌توان براساس شاخصه‌هایی چون قومیت، دین، مذهب، ملیت و طبقه اجتماعی بررسی کرد: الف) قومیت، ب) دین و مذهب، ج) طبقه اجتماعی (Bashiriyeh, 2007:54-55) ساختار فضایی-جغرافیایی ملت ایران از دو بخش به هم پیوسته مرکزی و حاشیه‌ای پدید آمده است. بخش مرکزی، که نسبت به حاشیه و پیرامون خود، فضای گسترده‌تری از جغرافیای ایران را اشغال می‌کند و میان اجزای آن پیوند و تجانس نسبی برقرار است، بر کاسه فلات ایران و ارتفاعات حاشیه‌ای آن، یعنی زاگرس و البرز، منطبق است. همچنین میان تجانس کالبدی و توپوگرافیک فضا در بخش مرکزی ایران با تجانس انسانی آن ارتباط وجود دارد (Hafeznya, 2002:149). سرزمین ایران در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصدی همانندی در رتبه شانزدهم قرار دارد. در ایران اگرچه فارسی زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت اکثریت دارند ولی وجود شش قومیت عمده (ترک-کرد-لر-بلوچ-عرب و ترکمن) در درون این واحد ملی و تاثیرات گسترده آنها بوسیله تحولات تاریخی واقعیت مشهودی است که می‌تواند مبنای پیش بینی وضعیت آینده امنیتی کشور قرار گیرد. موضوع تنوع قومی در متن ژئوپلیتیک ایران در عین حالیکه فرصت‌های توسعه کشور را فراهم می‌سازد می‌تواند منبعی برای تهدید علیه امنیت ملی کشور قرار بگیرد که از آن جمله می‌توان به مواردی مانند: ۱- مرزنشینی به این جهت که ملاحظات امنیتی ایران متأثر از وضعیت ژئوپلیتیکی کشور است و کشوری است که با ۱۵ کشور همسایه مرز مشترک دارد. ۲- دخالت بیگانگان به جهت وجود مساله تنوع و ۳- تراکم شکاف قومی- مذهبی و زبانی می‌باشد که ممکن است متقاطع یا متوازی باشند و منجر به باز تولید ناامنی و تهدیدزدایی اقوام علیه امنیت ملی کشور گردند. (Boshriyah, 2007:104) بر این اساس، بسیاری از تحلیل‌گران سیاسی جهان که پیرامون تضادها و

قدرت بری و بحری وضعیت دوگانه) را فراهم می‌سازد و بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباط در این بخش از جهان وجود دارد (Hafeznya, 2010). نظریه ساختار ژئوپلیتیک جهان کوهن^۱ که جهان را در در زمان نظام دو قطبی از دو منطقه ژئواستراتژیک بری و بحری با هدایت اتحاد جماهیر شوروی به عنوان ابر قدرت شرق و آمریکا به عنوان ابر قدرت غرب با مناطق دوگانه و پنجگانه ژئوپلیتیک جدا از هم تقسیم بندی کرد. از نظر کوهن کشورها به عنوان جزئی از سیستم کلان جهان تلقی می‌شوند که در ارتباط با سایر کشورها و مناطق جغرافیایی کنش متقابل دارند. اگر سیستم بسته باشد امکان داد و ستد انرژی کاهش یافته و راه برای سقوط آن فراهم می‌شود؛ مانند شوروی سابق. متقابلاً سیستم‌های باز در حد بالایی به تبادل انرژی دار می‌پردازند و باقوت و توانمندی بالا به حیات خود ادامه می‌دهند. (Hafeznya, 2011:240) هائوس هوفر، با الهام گیری از نظریه «هارتلند» مکیندر و دستکاری در آن، همچنین استفاده از مفهوم فضای حیاتی^۲ راتزل، سناریویی را به وجود آورد که در آن، جهان قدیم تحت سلطه آلمان در محاصره و تحت فشار قدرت دریایی انگلیس و آمریکا بود (Pishgahifard, 2009:4). منظور هوفر از «فضای حیاتی» این بود که هر حکومتی مثل یک موجود زنده برای رشد کردن نیاز به فضا دارد یعنی باید کشورش وسیع باشد. آلفرد تایر ماهان^۳ با اهمیت بخشی به نظریه «قدرت دریایی»^۳، معتقد بود سرزمین‌های دارای موقعیت دریایی مناسب، کشورهای قدرتمندی هستند (Arjmandi, 2014). وی توفیق برخی از دولت‌ها در جای دادن خود بر تارک سلسله مراتب دولت را مدیون همین عامل می‌دانست (Ghamat, 2009). او فضاهای دریایی و اقیانوسی را در شکل‌گیری قدرت دریایی و تولید قدرت جهانی و کنترل و محاصره قدرت بری مؤثر می‌دانست.

به اعتقاد صاحب‌نظران بحث جغرافیای سیاسی، جایگاه اقوام در الگوی ترکیبی ملت در ایران را

1. Suel B. Cohen
2. Alfred Tayer Mahan
3. Sea power

بحران‌ها به نظریه پردازی و مطالعه پرداخته‌اند، در این بحث اتفاق نظر دارند که در عصر جهانی شدن، تضاد «فرهنگی - قومی» به یکی از منابع اصلی چالش‌ها و تضادها تبدیل شده است. بسیاری از کشورهایی که در گذشته با پشت سر گذاشتن یک فرآیند سخت و پیچیده‌ی «ملت سازی» تولد یافته‌اند، اکنون به‌عنوان یک واحد ملی زیر سوال رفته و امواج قوم گرایی و جدایی طلبی، آنها را فرا گرفته است؛ بنابراین می‌توان گفت، امروزه موضوع قومیت و مسائل مرتبط با آن به یکی از چالش برانگیزترین مفاهیم در این حوزه تبدیل شده است. در اینجا این سوال مهم مطرح است که پدیده قوم گرایی و در سطحی کلان‌تر، موضوع قومیت در چارچوب فرآیند جهانی شدن، چه وضعیتی پیدا می‌کند؟ اصلی‌ترین چهره‌هایی که در این زمینه بحث کرده‌اند، «رونالد رابرتسون» و «آنتونی گیدنز» می‌باشند. جهانی شدن، پروژه جهان غرب برای سلطه بر جهان شرق می‌باشد. بنابراین از منظر جهان شرق، جهانی شدن معادل با غربی شدن و تهاجم فرهنگی است. مارکسیست‌های جدید، جهانی شدن را ادامه سرمایه داری می‌دانند. از نظر آنها، جهانی شدن ادامه سرمایه داری و بقای نابرابری اجتماعی و اقتصادی است. در این نگاه نتیجه بلند مدت جهانی شدن ادغام اقتصادی و فرهنگی جهان است و شکاف طبقاتی را در سطح جهان، میان کشورهای فقیر و ثروتمند و در سطح محلی، میان ثروتمندان و فقیران، عمیق‌تر می‌کند. «سمیرامین» معتقد است که در جریان جهانی شدن، بر عمق نابرابری در سطح جهانی افزوده می‌شود (AzadArmaki, 2007:34-35). جهانی شدن دارای ویژگی‌های گوناگون و عدیده‌ای است که یکی از مهمترین آن، اصالت داشتن تنوع‌ها و تفاوت‌ها از منظر نظریه مزبور است. در عصر جهانی شدن، تفاوت‌ها و تنوع‌ها در قالب هویت‌های مختلف، امکان بروز و ظهور می‌یابند. هویت‌ها دیگر تصلب سابق را نداشته و خاصیت متحول شوندگی و سیالیت پیدا می‌کنند. چنانکه کاستلز معتقد است، تمام هویت‌ها برساخته می‌شوند (Kastelz, 2002:23). در ابتدا

برخی از نظریه پردازان حوزه‌ی جهانی شدن بر این باور بودند که فرآیند مزبور و متعاقب آن جهانی شدن فرهنگ، موجب غلبه و سلطه‌ی فرهنگ واحد جهانی خواهد شد، و در نتیجه، فرهنگ‌های محلی و بومی و خرده فرهنگ‌های قومی، در درون فرهنگ مسلط جهانی، حل خواهند شد. امروزه جهانی شدن صرفاً عامل همگون کننده و همانندساز تلقی نمی‌شود، زیرا جهانی شدن به طور مطلق مخالف محلی شدن نیست. این دو مقوله، ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و توسط یک پویایی واحد ایجاد شده‌اند که گاهی، با واژه‌ی جهانی محلی شدن، شناخته می‌شوند. به اعتقاد رونالد رابرتسون جهانی شدن همواره در چارچوبی محلی به وقوع می‌پیوندد، در حالی که در همان حال، چارچوب محلی، خود از طریق گفتمان‌های جهانی شدن ایجاد می‌شود. وی معتقد است که نباید جهانی شدن را صرفاً فرآیندی تلقی کنیم که محل‌های از پیش موجود را به هم پیوند می‌دهد. وی واژه جهانی محلی شدن را ترجیح می‌دهد؛ چرا که این اصطلاح در تعریف اصیل خود به معنای یک دیدگاه جهانی است که شرایط محلی را نیز مد نظر دارد؛ بنابراین، ناهمگونی همواره و به طور مداوم از طریق فرآیندهای جهانی شدن، تولید و بازتولید می‌گردد (Nash, 2001:111) با درک و پذیرش وضعیت متناقض گونه‌ای که فرآیند جهانی شدن برای قومیت‌ها و خرده فرهنگ‌های محلی ایجاد می‌کند، یعنی به طور همزمان، هم موجب همگرایی قومیت‌ها و فرهنگ‌های بومی و محلی با فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی شده، و هم باعث ایجاد واگرایی میان فرهنگ‌های محلی و بومی با فرهنگ‌های ملی و جهانی می‌گردد، به روشنی می‌توان به تجزیه و تحلیل و بررسی چالش‌ها و فرصت‌هایی که فرآیند جهانی شدن در حوزه‌ی قومیت‌ها و فرهنگ‌های محلی خلق می‌کند، واقف گردید. فرآیند جهانی شدن، دست کم در حوزه تعامل میان فرهنگ قومی و بومی با فرهنگ ملی و فرهنگ جهانی، می‌تواند تأثیر دوگانه‌ای داشته باشد؛ یعنی هم می‌تواند موجب هم گرایی و هم باعث

که جامعه آماری انتخاب شده برای پاسخگویی به این پرسشنامه شامل نخبگان و صاحب نظران دانشگاهی در حوزه جغرافیا و علوم سیاسی بوده‌اند. در این راستا از فرمول تعیین حجم نمونه جامعه محدود با سطح اطمینان ۹۹٪ برای تعیین حجم نمونه استفاده شده است. که باید ۲۰ پرسشنامه جمع‌آوری و ارزیابی می‌گردید. در این بین، برای آزمون درستی و روانی پرسش نامه‌ها انواع آزمون‌های روانی مورد استفاده قرار گرفت. که برای تایید بر روانی سوالاتی که در اینجا مطرح شده است می‌توان با تایید استاد راهنما و دیگر اساتید مجرب در این زمینه اشاره کرد. از سوی دیگر، پایایی پرسشنامه، از طریق آزمون سازگاری و ثبات، مورد بررسی قرار گرفت. آلفای کرونباخ به ۱ نزدیکتر باشد، پایایی سازگاری درونی بیشتر است. بر این اساس آزمون کرونباخ برای پایایی پرسشنامه‌ای انجام گرفت و نتیجه آن در قالب ابعاد مختلف به صورت جدول (۱) در آمده است.

جدول ۱: نتایج آزمون کرونباخ از پرسشنامه

ابعاد	آزمون کرونباخ
بعد جغرافیایی	۰/۷۸
بعد اقتصادی	۰/۸۷
بعد سیاسی	۰/۷۴
بعد جمعیتی	۰/۷۳

همانطور که آزمون کرونباخ نشان می‌دهد آلفای کرونباخ برای ابعاد مختلف به ۱ نزدیک است و از ۰/۷ بیشتر است، بر این اساس می‌توان گفت پرسشنامه مذکور از پایایی لازم برخوردار می‌باشد. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این تحقیق، به این صورت است که با استفاده از نرم‌افزار Excel میانگین گیری شده است و شاخص‌هایی که از نظر صاحب نظران، میانگینی بالاتر از حد متوسط یعنی مقدار سه دریافت کرده‌اند، به عنوان مولفه‌های ژئوپلیتیک در نظر گرفته شده است.

یافته‌های تحقیق

- تحلیل روش ANP

واگرایی شود. چنانچه در سطح ملی و در چارچوب نظریه‌های جهانی شدن، اصالت تکثرگرایی مورد تاکید این نظریه را بپذیریم، می‌توان به تحقق الگوی تکثرگرایی و در نتیجه ایجاد هم‌گرایی و انسجام میان گروه‌های قومی و محلی با فرهنگ ملی کمک کرد، و از فرصتی که جهانی شدن در این حوزه ایجاد می‌کند، بهره‌گیری لازم را نمود. هر چه یک دولت-ملت منسجم‌تر و یکپارچه‌تر باشد، وضعیت امنیتی آن ثبات بیشتری دارد و در مقابل، دولت، ملت نامنسجم، زمینه بالقوه مناسبی برای رفتارها و رخدادهای ضد امنیتی محسوب می‌شود. لذا در جوامع ضعیف و پاره و پاره، احتمال واگرایی و مرکز گریزی گروه‌های فروملی قابل ملاحظه است، قومیت در ارزیابی امنیت ملی متغیری مهم محسوب می‌شود. برخی از عوامل چون درجه پایین انسجام و یکپارچگی اجتماعی (ضعف دولت)، ساختار غیر مشارکتی و توزیع قدرت سیاسی، رفتارهای سیاسی تجزیه طلبانه، کاهش امنیت داخلی افزایش حمایت گری خارجی، رابطه مرکز و پیرامون ناهمسانی در علائق و ارزش‌های مشترک در تشدید تمایلات قومی، قومیت به مثابه متغیر امنیت ملی موثرند. اهمیت موضوع قومیت‌ها برای ایران که دارای تنوع قومیتی بوده و درمجاورت کشورهای دارای مؤلفه‌های قومی- فرهنگی مشابه قرار دارد، درمقایسه با سایر کشورها صد چندان است. در این ارتباط، اتخاذ سیاست‌های مناسب و لحاظ الزامات و مقتضیات متناسب با تنوع قومیتی ایران، می‌تواند کشور را در قبال کشمکش‌ها و تنش‌های قومی مصونیت بخشد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی است؛ روش گردآوری اطلاعات در این تحقیق روش کتابخانه‌ای و میدانی است. در روش میدانی از پرسشنامه استفاده گردیده است. در جمع‌آوری اطلاعات به روش پرسشنامه‌ای، به صورت زیر عمل شده است: پرسشنامه ارائه شده برای گردآوری اطلاعات در اختیار نخبگان قرار گرفته است. به طوری

توجه به شکل ۱ که ارتباط و وابستگی بین عوامل اصلی و فرعی را نشان می‌دهد، سوپر ماتریس اولیه به شرح جدول زیر خواهد بود:

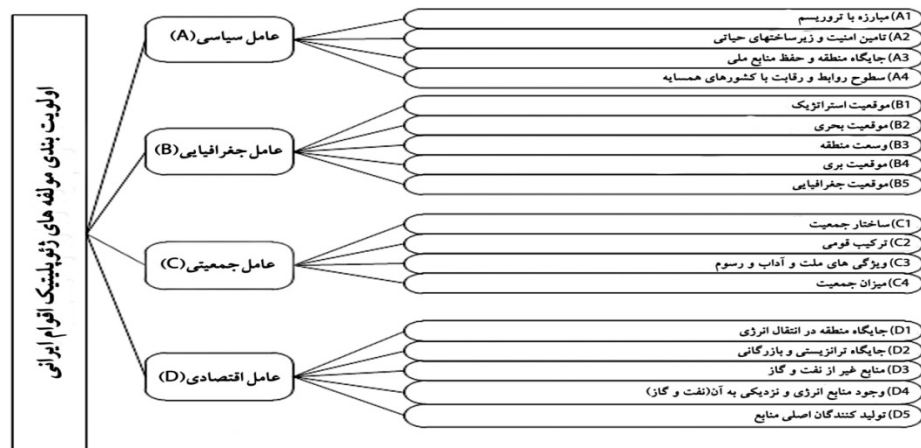
مراحل پیاده‌سازی روش فرایند تحلیل شبکه (ANP) در این تحقیق: در این مرحله، با توجه به ساختار شبکه‌ای (ANP) نمودار ساختار کلی سوپر ماتریس یا همان ماتریس اولیه نیز مشخص شود. با

جدول ۲: ساختار سوپر ماتریس اولیه (غیرموزون)

خوشه‌ها				
W =	عوامل فرعی	عوامل اصلی	هدف	خوشه‌ها
	•	•	•	هدف
	W ₂₃	W ₂₂	W ₂₁	عوامل اصلی
	•	W ₃₂	•	عوامل فرعی

امنیت ملی، درخت شبکه‌ای بایستی طراحی گردد. که حاصل این مرحله ۱۸ عامل فرعی در قالب ۴ عامل اصلی دسته بندی شده است که این شبکه در شکل ۱ زیر تهیه گردید.

- تدوین درخت سلسله مراتبی (ANP) مساله تحقیق: نخست ابتدا با توجه به مرور متون و تحقیقات پیشین صورت گرفته و استفاده از نظرات کارشناسان (خبرگان) به منظور شناسایی و اولویت بندی مولفه‌های ژئوپلیتیک اقوام ایرانی موثر بر



شکل ۱: متغیرهای W با مدل فرایند تحلیل شبکه (ANP) تحقیق

پرسشنامه‌ای مطابق با فرمت پرسش نامه ANP (مقایسه دو به دو) برای کسب نظرات کارشناسان تهیه و توزیع شد. این پرسشنامه شامل یک ماتریس برای مقایسه زوجی عوامل می‌باشد. بنابراین به تعداد مقایسه وجود دارد. با توجه به اینکه سطح یک دارای ۴ عامل بودند تعداد مقایسه‌های برابر با: رابطه ۱: یعنی $\frac{n(n-1)}{2} = \frac{4(4-1)}{2} = 6$ پس از تکمیل پرسشنامه‌ها نرخ ناسازگاری هریک از آنها به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفت.

۱- ساختار ماتریس اولیه: در گام اول همانطور که از نمودار شبکه تحقیق پیداست، ۱۸ عوامل فرعی که نشانگر ویژگیهای عوامل اصلی ۴ گانه می‌باشند. برای اهداف این تحقیق انتخاب شده‌اند. وابستگی متقابل عوامل اصلی و زیر عوامل است. برای رسیدن به این محاسبه اوزان مربوطه از نظرات کارشناسان و تیم خبره استفاده شده است.

۲- مقایسه زوجی عوامل اصلی: در گام دوم برای محاسبه اهمیت (وزن) نسبی هریک از عوامل اصلی

جدول ۴: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل اصلی (بدون در نظر گرفتن وابستگی درونی عوامل)

رتبه	بردار ویژه (W)	D	C	B	A	عوامل اصلی
1	0.306	0.685	1.464	2.275	1	A
4	0.204	0.893	1.218	1	0.440	B
3	0.211	1.039	1	0.821	0.683	C
2	0.279	1	0.962	1.119	1.460	D
IR=0.04<0.1						

می‌کنیم. به بردار حاصل، بردار سازگاری گفته می‌شود.

$$CV = \begin{bmatrix} 1.270 \\ 0.845 \\ 0.877 \\ 1.157 \end{bmatrix} + \begin{bmatrix} 0.306 \\ 0.204 \\ 0.211 \\ 0.279 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 4.151 \\ 4.141 \\ 4.158 \\ 4.147 \end{bmatrix}$$

رابطه ۳: محاسبه بزرگترین مقدار ویژه ماتریس

مقایسات زوجی (λ_{max}):

$$\lambda_{max} = \frac{4.151 + 4.141 + 4.158 + 4.147}{4} = 4.149$$

رابطه ۴: محاسبه شاخص ناسازگاری (II): شاخص

ناسازگاری بصورت زیر حساب می‌شود:

$$II = \frac{4 \cdot 4.149 - 4}{4} = 0.037$$

رابطه ۵: محاسبه نرخ ناسازگاری (IR): به این منظور،

به ترتیب زیر عمل می‌شود:

$$IR = \frac{II}{IRI} = \frac{0.037}{0.9} = 0.04 \leq 0.1$$

در اینجا IRI (شاخص ناسازگاری تصادفی)

مقداری است که از جدول مربوطه استخراج می‌شود

که این مقدار برای ماتریس با بعد $n=4$ برابر با ۰٫۹

می‌باشد. در نهایت نرخ ناسازگاری ماتریس مورد نظر

برابر (IR=0.04) است و چون این مقدار کمتر از ۰٫۱

است ($IR \leq 0.1$) بنابراین در مقایسات زوجی،

سازگاری وجود دارد.

ب- مقایسه زوجی وابستگی درونی عوامل اصلی

(محاسبه ماتریس وزنی (w_{22}): برای درک

وابستگی متقابل بین عوامل اصلی، مقایسه زوجی بین

عوامل اصلی بمنظور دستیابی به عناصر w_{22} انجام

می‌شود که نتایج آن در قالب ماتریس w_{22} محاسبه

شده و بصورت زیر می‌باشد:

جدول ۵: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل اصلی با توجه به وابستگی درونی آنها با کنترل عامل سیاسی (A)

رتبه	بردار ویژه (W)	D	C	B	عامل سیاسی
1	0.490	4.173	1.177	1	B
2	0.381	2.715	1	0.849	C
3	0.128	1	0.368	0.239	D
IR=0.01<0.1					

نتایج تحلیل جدول ۴ محاسبه شده اوزان عوامل

اصلی ژئوپلیتیک اقوام ایرانی موثر بر امنیت ملی را

نشان می‌دهد که عامل سیاسی (A) با وزن نسبی

۰/۳۰۶ در رتبه اول و پس از آن عامل اقتصادی (D)

با وزن نسبی ۰/۲۷۹ در رتبه دوم و عامل جمعیتی

(C) با وزن نسبی ۰/۲۱۱ در رتبه سوم و عامل

جغرافیائی (B) با وزن نسبی ۰/۲۰۴ در رتبه چهارم

اهمیت قرار دارد و همچنین نرخ ناسازگاری این

ماتریس مورد قبول می‌باشد و می‌توان به قضاوت

خبرگان اعتماد کرد.

الف- محاسبه نرخ سازگاری ماتریس

تصمیم‌گیری گروهی: برای اینکه بتوان به وزن

عوامل اصلی ژئوپلیتیک اقوام ایرانی موثر بر امنیت ملی

اعتماد کرد بایستی نرخ ناسازگاری (I.R) ماتریس

مقایسه‌های زوجی را محاسبه کرد. بدین ترتیب

مراحل محاسبه نرخ ناسازگاری بصورت زیر می‌باشد:

رابطه ۱: محاسبه بردار مجموع وزنی (WSV):

$$WSV = D \times W$$

ابتدا ماتریس مقایسه زوجی (۳-۴) را در بردار

وزن‌های نسبی (W) ضرب می‌کنیم:

WSV =

$$\begin{bmatrix} 1 & 2.275 & 1.464 & 0.685 \\ 0.440 & 1 & 1.218 & 0.893 \\ 0.683 & 0.821 & 1 & 1.039 \\ 1.460 & 1.119 & 0.962 & 1 \end{bmatrix} * \begin{bmatrix} 0.306 \\ 0.204 \\ 0.211 \\ 0.279 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 1.270 \\ 0.845 \\ 0.877 \\ 1.157 \end{bmatrix}$$

رابطه ۲: محاسبه بردار سازگاری (CV): عناصر بردار

مجموع وزنی را بر بردار وزن‌های نسبی تقسیم

وزن نسبی ۰/۴۹۰ در رتبه اول و عامل جمعیتی با وزن نسبی ۰/۳۸۱ در رتبه دوم و عامل اقتصادی با وزن نسبی ۰/۱۲۸ در رتبه سوم اهمیت قرار دارد.

با توجه به جدول ۵ ماتریس مقایسه زوجی بین عامل اقتصادی و عامل جمعیتی و عامل جغرافیایی با کنترل عامل سیاسی می‌باشد. که نتایج بردار ویژه آن در جدول نشان داده شده است که عامل جغرافیایی با

جدول ۶: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل اصلی با توجه به وابستگی درونی آنها با عامل جغرافیایی (B)

رتبه	بردار ویژه (W)	D	C	A	عامل جغرافیایی
1	0.682	6.933	3.532	1	A
2	0.239	3.738	1	0.283	C
3	0.079	1	0.267	0.144	D
IR=0.04<0.1					

با وزن نسبی ۰/۶۸۲ در رتبه اول و عامل جمعیتی با وزن نسبی ۰/۲۳۹ در رتبه دوم و عامل اقتصادی با وزن نسبی ۰/۰۷۹ در رتبه سوم اهمیت قرار دارد.

با توجه به جدول ۶ ماتریس مقایسه زوجی بین عامل سیاسی و عامل جمعیتی و عامل اقتصادی با کنترل عامل جغرافیایی می‌باشد. که نتایج بردار ویژه آن در جدول نشان داده شده است که عامل سیاسی

جدول ۷: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل اصلی با توجه به وابستگی درونی آنها با عامل جمعیتی (C)

رتبه	بردار ویژه (W)	D	B	A	عامل جمعیتی
1	0.729	6.159	5.051	1	A
2	0.170	2.004	1	0.197	B
3	0.100	1	0.499	0.162	D
IR=0.03<0.1					

نسبی ۰/۷۲۹ در رتبه اول و عامل جغرافیایی با وزن نسبی ۰/۱۷۰ در رتبه دوم و عامل اقتصادی با وزن نسبی ۰/۱۰۰ در رتبه سوم اهمیت قرار دارد.

با توجه به جدول ۷ ماتریس مقایسه زوجی بین عامل سیاسی و عامل جغرافیایی و عامل اقتصادی با کنترل عامل جمعیتی می‌باشد که نتایج بردار ویژه آن در جدول نشان داده شده است و عامل سیاسی با وزن

جدول ۸: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل اصلی با توجه به وابستگی درونی آنها با کنترل عامل اقتصادی (D)

رتبه	بردار ویژه (W)	C	B	A	عامل اقتصادی
1	0.684	3.087	6.098	1	A
3	0.151	1.235	1	0.163	B
2	0.165	1	0.809	0.323	C
IR=0.08<0.1					

محاسبه وزن محلی عوامل فرعی الف- مقایسه زوجی عوامل فرعی هر یک از عوامل اصلی (ماتریس w_{32}): در این مرحله از گام سوم بردار ویژه هر یک از عوامل فرعی مربوط به عوامل اصلی چهار گانه از طریق مقایسه زوجی بدست آمده این بردار ویژه عناصر ستونی ماتریس w_{32} را تشکیل خواهد داد. نتایج مقایسه‌های هر یک از عوامل فرعی در جداول زیر ارائه شده است:

با توجه به جدول ۸ ماتریس مقایسه زوجی بین عامل سیاسی و عامل جغرافیایی و عامل جمعیتی با کنترل عامل اقتصادی می‌باشد. که نتایج بردار ویژه آن در جدول نشان داده شده است که عامل سیاسی با وزن نسبی ۰/۶۸۴ در رتبه اول و عامل جمعیتی با وزن نسبی ۰/۱۶۵ در رتبه دوم و عامل جغرافیایی با وزن نسبی ۰/۱۵۱ در رتبه سوم اهمیت قرار دارد.

جدول ۹: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل فرعی مربوط به عامل سیاسی (A)

رتبه	بردار ویژه (W)	A4	A3	A2	A1	عامل سیاسی
2	0.277	0.729	0.912	2.520	1	A1
4	0.153	0.548	0.735	1	0.396	A2
3	0.248	0.765	1	1.360	1.096	A3
1	0.322	1	1.307	1.824	1.370	A4
IR=0.02<0.1						

۰/۲۴۸ در رتبه سوم و عامل تامین امنیت و زیر ساخت‌های حیاتی با وزن نسبی ۰/۱۵۳ در رتبه چهارم اهمیت قرار دارد. همچنین نرخ ناسازگاری این ماتریس مورد قبول می‌باشد و می‌توان به قضاوت خبرگان اعتماد کرد.

نتایج تحلیل جدول ۹ ماتریس مقایسه‌های زوجی محاسبه شده اوزان عوامل فرعی سیاسی نشان می‌دهد که عامل سطوح روابط و رقابت با کشورهای همسایه با وزن نسبی ۰/۳۲۲ در رتبه اول و پس از آن عامل مبارزه با تروریسم با وزن نسبی ۰/۲۷۷ در رتبه دوم و عامل جایگاه منطقه و حفظ منابع ملی با وزن نسبی

جدول ۱۰: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل فرعی مربوط به جغرافیایی (B)

رتبه	بردار ویژه (W)	B5	B4	B3	B2	B1	عامل جغرافیایی
4	0.166	0.549	0.513	2.231	0.798	1	B1
2	0.224	0.922	0.746	2.800	1	1.252	B2
5	0.107	0.561	0.568	1	0.357	0.448	B3
1	0.282	1.584	1	1.760	1.339	1.949	B4
3	0.222	1	0.631	1.780	1.084	1.820	B5
IR=0.03<0.1							

موقعیت استراتژیک با وزن نسبی ۰/۱۶۶ در رتبه چهارم و عامل وسعت منطقه با وزن نسبی ۰/۱۰۷ در رتبه پنجم اهمیت قرار دارد. همچنین نرخ ناسازگاری این ماتریس مورد قبول می‌باشد و می‌توان به قضاوت خبرگان اعتماد کرد.

نتایج تحلیل جدول ۱۰ ماتریس مقایسه‌های زوجی محاسبه شده اوزان عوامل فرعی جغرافیایی نشان می‌دهد که عامل موقعیت بری با وزن نسبی ۰/۲۸۲ در رتبه اول و پس از آن عامل موقعیت بحری با وزن نسبی ۰/۲۲۴ در رتبه دوم و عامل موقعیت جغرافیایی با وزن نسبی ۰/۲۲۲ در رتبه سوم و عامل

جدول ۱۱: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل فرعی مربوط به عامل جمعیتی (C)

رتبه	بردار ویژه (W)	C4	C3	C2	C1	عامل جمعیتی
4	0.123	0.351	0.290	1.063	1	C1
3	0.165	0.616	0.560	1	0.940	C2
1	0.476	3.417	1	1.785	3.447	C3
2	0.236	1	0.292	1.622	2.848	C4
IR=0.08<0.1						

عامل ترکیب قومی با وزن نسبی ۰/۱۶۵ در رتبه سوم و عامل ساختار جمعیت با وزن نسبی ۰/۱۲۳ در رتبه چهارم اهمیت قرار دارد و همچنین نرخ ناسازگاری این ماتریس مورد قبول می‌باشد و می‌توان به قضاوت خبرگان اعتماد کرد.

نتایج تحلیل جدول ۱۱ ماتریس مقایسه‌های زوجی محاسبه شده اوزان عوامل فرعی جمعیتی نشان می‌دهد که عامل ویژگی‌های ملت و آداب و رسوم با وزن نسبی ۰/۴۷۶ در رتبه اول و پس از آن عامل میزان جمعیت با وزن نسبی ۰/۲۳۶ در رتبه دوم و

جدول ۱۲: ماتریس مقایسه‌های زوجی عوامل فرعی مربوط به عامل اقتصادی (D)

عامل اقتصادی	D1	D2	D3	D4	D5	بردار ویژه (W)	رتبه
D1	1	0.793	0.551	0.606	0.373	0.119	5
D2	1.261	1	1.706	1.891	0.758	0.234	2
D3	1.814	0.586	1	1.360	0.452	0.170	3
D4	1.649	0.528	0.735	1	0.369	0.139	4
D5	2.680	1.319	2.210	2.705	1	0.337	1
IR=0.02<0.1							

می‌باشد و می‌توان به قضاوت خبرگان اعتماد کرد. بنابراین با توجه به جداول فوق ماتریس وزنی عوامل فرعی (w_{32}) ایجاد می‌گردد:

ب- مقایسه زوجی وابستگی درونی عوامل فرعی (ماتریس w_{33}): همانطوری که از نمودار شبکه تحقیق پیداست، ۱۸ عوامل فرعی که نشانگر ویژگیهای عوامل اصلی ۴ گانه می‌باشند. برای اهداف این تحقیق انتخاب شده‌اند. وابستگی متقابل این زیرعوامل در جدول ۱۳ نشان داده شده است. برای رسیدن به این جدول و محاسبه اوزان مربوطه از نظرات کارشناسان استفاده شده است.

نتایج تحلیل جدول ۱۲ ماتریس مقایسه‌های زوجی محاسبه شده اوزان عوامل فرعی اقتصادی نشان می‌دهد که عامل تولیدکنندگان اصلی منابع با وزن نسبی ۰/۳۳۷ در رتبه اول و پس از آن عامل جایگاه ترانزیستی و بازرگانی با وزن نسبی ۰/۲۳۴ در رتبه دوم و عامل منابع غیر از نفت و گاز با وزن نسبی ۰/۱۷۰ در رتبه سوم و عامل وجود منابع انرژی و نزدیکی به آن (نفت و گاز) با وزن نسبی ۰/۱۳۹ در رتبه چهارم و عامل جایگاه منطقه در انتقال انرژی با وزن نسبی ۰/۱۱۹ در رتبه پنجم اهمیت قرار دارد. و همچنین نرخ ناسازگاری این ماتریس مورد قبول

جدول ۱۳: مقایسه زوجی وابستگی درونی عوامل فرعی

ردیف	زیر معیارها	A1	A2	A3	A4	B1	B2	B3	B4	B5	C1	C2	C3	C4	D1	D2	D3	D4	D5
۱	(A1) سلامت روحی و جسمی				√					√								√	√
۲	(A2) تامین امنیت و زیر ساختهای حیاتی							√		√	√								
۳	(A3) جایگاه منطقه و حفظ منابع ملی								√								√		
۴	(A4) سطوح روابط و رقابت با کشورهای همسایه	√										√			√				
۵	(B1) موقعیت استراتژیک							√					√						
۶	(B2) موقعیت بحری							√							√				
۷	(B3) وسعت منطقه		√			√	√												
۸	(B4) موقعیت			√								√		√					

ماتریس همانند هم شوند (با هم برابر شوند) این کار با تکرار انجام می‌شود. در چنین حالتی سوپر ماتریس حد بدست آمده است. در تحقیق حاضر در توان ۸۴ سوپر ماتریس موزون، سوپر ماتریس حد بدست آمده است که تمامی عناصر آن با یکدیگر تقریباً برابر شده‌اند.

ج- محاسبه سوپر ماتریس حد: هدف از به حد رساندن سوپر ماتریس موزون این است که تاثیر نسبی دراز مدت هریک از عناصر آن در یکدیگر حاصل شود. برای واگرایی ضریب اهمیت هریک از عناصر ماتریس موزون، بنابراین آن را به توان K که یک عدد اختیاری بزرگ است می‌رسانیم، تا اینکه همه عناصر سوپر

جدول ۱۶: سوپر ماتریس حد

ردیف	نام عوامل	وزن نهایی	رتبه (اولویت)
1	A1	0.074	5
2	A2	0.032	14
3	A3	0.064	6
4	A4	0.090	3
5	B1	0.038	11
6	B2	0.056	9
7	B3	0.019	18
8	B4	0.075	4
9	B5	0.055	10
10	C1	0.022	16
11	C2	0.036	13
12	C3	0.139	1
13	C4	0.062	7
14	D1	0.021	17
15	D2	0.058	8
16	D3	0.037	12
17	D4	0.027	15
18	D5	0.094	2

عامل منابع غیر از نفت و گاز با وزن نسبی ۰/۰۳۷ در رتبه دوازدهم و عامل ترکیب قومی با وزن نسبی ۰/۰۳۶ در رتبه سیزدهم و عامل تامین امنیت و زیر ساختهای حیاتی با وزن نسبی ۰/۰۳۲ در رتبه چهاردهم و عامل وجود منابع انرژی و نزدیکی به آن (نفت و گاز) با وزن نسبی ۰/۰۲۷ در رتبه پانزدهم و عامل ساختار جمعیت با وزن نسبی ۰/۰۲۲ در رتبه شانزدهم و عامل جایگاه منطقه در انتقال انرژی با وزن نسبی ۰/۰۲۱ در رتبه هفدهم و عامل وسعت منطقه با وزن نسبی ۰/۰۱۹ در رتبه هجدهم اهمیت قرار دارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

امروزه جایگاه قومیت‌ها در تثبیت یا تغییر روند وحدت ملی با شناخت فرصت‌ها یا تهدیدهای فراروی اقوام مستقر در ساخت سیاسی یک کشور پذیرفته شده است. در این راستا زبان قومی، اقتصاد محلی،

نتایج تحلیل جدول ۱۶ سوپر ماتریس حد محاسبه شده اوزان عوامل ژئوپلیتیک اقوام ایرانی موثر بر امنیت ملی نشان می‌دهد که عامل ویژگی‌های ملت و آداب و رسوم با وزن نسبی ۰/۱۳۹ در رتبه اول و پس از آن عامل تولیدکنندگان اصلی منابع با وزن نسبی ۰/۰۹۴ در رتبه دوم و عامل سطوح روابط و رقابت با کشورهای همسایه با وزن نسبی ۰/۰۹۰ در رتبه سوم و عامل موقعیت بری با وزن نسبی ۰/۰۷۵ در رتبه چهارم و عامل مبارزه با تروریسم با وزن نسبی ۰/۰۷۴ در رتبه پنجم و عامل جایگاه منطقه و حفظ منابع ملی با وزن نسبی ۰/۰۶۴ در رتبه ششم و عامل میزان جمعیت با وزن نسبی ۰/۰۶۲ در رتبه هفتم و عامل جایگاه ترانزیتی و بازرگانی با وزن نسبی ۰/۰۵۸ در رتبه هشتم و عامل موقعیت بحری با وزن نسبی ۰/۰۵۶ در رتبه نهم و عامل موقعیت جغرافیایی با وزن نسبی ۰/۰۵۵ در رتبه دهم و عامل موقعیت استراتژیک با وزن نسبی ۰/۰۳۸ در رتبه یازدهم و

تشکر و قدردانی

بر خود وظیفه می دانم از استاد راهنمای عالم جناب آقای دکتر حسن آب نیکی و اساتید مشاور سرکار خانم دکتر گارینه کشیشیان سیرکی و جناب آقای دکتر سید خدایار مرتضوی و همه کسانی که چراغ راهم شدند تا بتوانم این مجموعه کمترین را به نگارش درآورم نهایت سپاس و قدردانی را داشته و برایشان آرزوی سلامتی دارم.

منابع

1. Ayyubi, Hojjat. 1998. Ethnic and Violence Gaps, Strategic Studies Quarterly, First Issue 17.
2. Assari-Nejad, Hussein, 2004. Security and Ethnicity in the Islamic Republic of Iran, The Magazine of the National Defense University, Nos. 48 and 49.
3. Ezati, E. 2011. Geopolitics, Tehran: SAMT. (In Persian).
4. Ezati, E. 2003. Ph.D. lecturer of political geography, University of Tehran. (In Persian).
5. Ghamat, J. 2009. Middle East position in geopolitical thought, Daneshname, 1(5): 91-100. (In Persian).
6. Hafeznaya, Mohammad Reza 2002. Political Geography of Iran, Ch 1, Position, Tehran.
7. Kazemi, A.A. 1999. International Relations in Theory and Practice, Tehran: Gomes Publishing. (In Persian).
8. Mojtahed Zadeh, Pirouz 1381. Political Geography and Politics, Position, Tehran.
9. Mansoori, A. 2007. Geopolitics and National Interests of the Islamic Republic of Iran, Journal of Growth of Geography Education, 22(2). (In Persian)
10. Nash, Kate 2001. "Contemporary Political Sociology, Globalization, Politics, Power." Translator Mohammad Taghi Dolfrooz, Desert Publishing House, Tehran. 111
11. PishgahiFard, Z. and Ghodsi, A. 2009. Geopolitical Role in Geopolitical Thoughts, Amiyah Journal, (In Persian).
12. Rahimi, H. 2013. Geopolitical Theories, Tehran: Selection Publishing. (In Persian).

ادیان و مذاهب مختلف و حتی خرده فرهنگ‌های قومی می‌تواند فرصت مطلوبی از حضور اقوام در تحقق وحدت ملی به نمایش بگذارد در عین حالیکه هر یک می‌تواند منبعی برای تهدید اقوام علیه امنیت ملی کشور تعریف گردد. براساس نتایج تحقیق از بین مولفه‌های ژئوپلیتیک اقوام ایرانی عامل سیاسی در رتبه اول و پس از آن عامل اقتصادی در رتبه دوم و جمعیتی در رتبه سوم و عامل جغرافیایی در رتبه چهارم اهمیت اولویت بندی مولفه‌های ژئوپلیتیک قوم ترکم موثر بر امنیت ملی قرار دارد. در نتیجه با توجه بیشتر دولت‌ها از منظر سیاسی به اقوام ایرانی موجبات افزایش امنیت ملی کشور را فراهم می‌کنند. برای کشوری با مختصات ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران که موزائیکی از تنوع اقوام را درون خود جای داده است توجه و تمرکز بر شاخص‌های ذیل می‌تواند راهکار مطلوبی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، جمعیتی و جغرافیایی برای موضوع تعریف گردد.

- اولویت‌یابی منافع ملی با اتخاذ استراتژی همبستگی ملی و مشارکت عمومی
- جامعه پذیری سیاسی اقوام با جامعه پذیری کردن گروه‌های اجتماعی نظیر خانواده، مدرسه، دانشگاه، رسانه‌ها و...
- پرهیز از نگرش امنیتی نسبت به اقوام و جایگزینی راهبردهای نرم امنیتی نظیر مذاکره و گفتگو و فرصت‌سازی اقوام با هدف تامین امنیت ملی کشور
- هویت بخشی و تشخیص بخشی به اقوام و احترام به حقوق اقلیت‌ها در قانون اساسی کشور
- فعال‌سازی همه ظرفیت‌های کشور برای رشد، توسعه و پیشرفت اقتصادی
- بستر سازی برای پیوند اقتصاد کشور به اقتصاد آسیای میانه و ترانزیت بین‌المللی
- توزیع عادلانه ثروت ملی در سطح کشور
- محرومیت زدایی و گسترش فرهنگ توسعه در سطح اقوام
- حفظ منافع ملی کشور از منظر جغرافیایی
- تقویت منابع غیر نفتی